

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: 78864 Article Cod: 2021S4D16SH5M77 ISSN-P: 2538-3701

مباشرت و ظهور اصل فردی کردن مجازات ها در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۹/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۱/۱۸)

فریدباغی نظری^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تهران

سهیل طالونی^۲

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تهران

چکیده

در چند دهه پیش هم زمان با قوت گرفتن مفهوم عدالت، عده ای توجه به شخصیت، مجرم را عامل تبعیض میان مجرمان مرتکب جرایم مشابه قلمداد می نمایند از زمانی که مجرم نقش محوری خود را در جریان عدالت کیفری پیدا نمود الگو و طرق تعیین مجازات تغییر کرد. نظام مجازات نامعین شاخصه تحول در زمینه تعیین مجازات می باشد. نتیجه این نوع نگرش ثبات بیشتر مجازات ها و روی آوردن به نظام مجازات معین می باشد. در این مقاله، به بررسی رابطه اصل فردی کردن مجازات ها در قبال اصل برابری افراد در برابر قانون و در مقابل اصل فردی کردن مجازات ها با توجه به شرایط متهم می پردازیم و جایگاه اصل فردی کردن مجازات در حقوق کیفری را مورد بررسی قرار می دهیم.

واژگان کلیدی: مجازات، فردی کردن مجازات، مباشرت، اصل قانونی بودن جرم، اصل

تساوی

^۱ نویسنده مسئول faridbaghaei1994@gmail.com

^۲ soheyl.tln@gmail.com



مقدمه

یکی از مهمترین امور حقوق کیفری، تعیین مجازات است که دو اصل حاکم بر چگونگی تعیین مجازات، اصل تناسب مجازات با جرم و اصل تناسب مجازات با مجرم می باشد. اصل اول، از مفاهیم استحقاق و سزادهی می باشد که اقتضا می نماید هرکس متناسب با شدت جرمی که مرتکب می شود مجازات گردد که بیان گر اصل فردی کردن مجازات هاست؛ این معنا که ناشی از تکامل حقوق کیفری در مسیر توجه به فاعل و عمل مجرمانه و شخصیت او باشد. برای تامین استحقاق به طور کامل تر و نیز مراعات سایر اهداف سودانگاران مجازات، لازم می باشد مجازات جنبه شخصی داشته باشد. فردی کردن مجازات از عهده این کار بر می آید. به این معنی که فردی کردن مجازات تصحیح مجازات مبتنی بر نیازهای مجرم به عنوان یک فرد می باشد. دادستان، بازپرس، قاضی و ماموران اجرای مجازات در این فرآیند نقش خود را ایفا می کنند.

بخش اول: اصل فردی کردن مجازات ها

حقوقدانان اعتقاد دارند که قانون جزا باید صریحاً نوع کیفر و مدت آن را تعیین کند. این امر با اصل فردی کردن مجازات ها مطابقت ندارد چون بنا به اصل مذکور نه تنها دادرس باید در انتخاب نوع و میزان کیفر بنا به تناسب حال مجرم آزادی عمل داشته باشد، بلکه برخی دانشمندان اعتقاد دارند که باید محدود کردن کیفر را هنگام صدور دادنامه الغا نموده و سرنوشت محکوم را به اداره زندان سپرد تا همین مقامات زندان حسن سلوک او را مشاهده کردند او را از زندان آزاد نمایند. در حقیقت بزهدکار به بیماری تشبیه شده است که برای بهبود بیماری به بیمارستان اعزام می شود، ولی زمان بیرون آمدن او دقیقاً از قبل تعیین نشده و خروج او بستگی به بهبود و شفای کامل او دارد. (محمودی، ۱۳۸۷) قابل ذکر است تنها برخی از اهداف و خصایص مجازات با خصائصی که اصل فردی کردن مجازات ها برای یک نظام کیفری معقول و متناسب پیش بینی می نماید منطبق می باشد. برخی از حقوقدانان زیر عنوان اصل شخصی بودن مجازات ها معنی و مضمون اصل فردی کردن مجازات ها را بیان نموده اند.



ایشان بدون این که از فردی کردن مجازات ها نامی به میان آورند به توصیف اصل فردی کردن مجازات ها پرداخته اند. (محسنی، ۱۳۵۴، ۲۰)

بعضی از نویسندگان جرم شناسی، شخصی بودن مجازات ها را دارای دو مفهوم دانسته اند.

این دسته از نویسندگان در بیان مفهوم دوم شخصی بودن مجازات ها نوشته اند:

«در مورد هر فردی باید کیفری متناسب با شخصیت و نوع جرم ارتكایش اعمال گردد. در مورد یک نوع جرم نباید یک نوع مجازات به همه مرتکبین تحمیل گردد بلکه مجازات باید جنبه فردی به خود بگیرد و هر کس بر حسب خصوصیات و شرایطی که دارد به مجازاتی متناسب محکوم شود. اینگونه رفتار کردن به معنای واقعی اجرا کردن عدالت می باشد. خوشبختانه با پیشرفتی که در جهت درمان بزهکاران در برخی از ممالک حاصل شده است فردی شدن مجازات ها خود به خود عملی می گردد.» (مظلومان، ۱۳۵۶، ۶۷)

در برخی از تألیفات حقوق کیفری ما حتی نامی از اصل فردی کردن مجازات ها به میان نیامده است در برخی دیگر هم بدون ارائه تعریف روشن و صریحی از این اصل تنها به ذکر مصادیق، اهداف و موجبات یا شیوه های فردی کردن مجازات ها پرداخته اند. (صانعی، ۱۳۷۶، ۶۷). اصل فردی کردن مجازات ها منحصراً به افزایش اختیارات برای اعمال کیفیات مخفّفه مانند تعلیق مجازات یا آزادی مشروط محدود نمی گردد، بلکه به موجب این اصل گاهی ضرورت ایجاب می نماید مجازات مجرمی افزایش یافته و قاضی از کیفیات مشدّد استفاده نماید. مقنن نقش اساسی را در فردی کردن مجازات در یک نظام کیفری ایفا می نماید. بنابراین نظر برخی از حقوقدانان که فردی کردن مجازات ها را مساوی با توسعه اختیارات دادرسان در اعمال کیفیات مخفّفه می دانند قابل انتقاد می باشد. زیرا منشا اصل فردی کردن مجازات ها، در مطالعه و بررسی جزئی، شخصی، یا ذهنی پدیده‌ی مجرمانه است.

تعریف اصل فردی کردن مجازات ها در حقوق موضوعه کیفری ایران عبارت است از: «اعمال و اجراء مجازاتی متناسب با شخصیت و ویژگی های جسمی، روانی، اجتماعی فرد مجرم که به اعتبار ماهیت جرم ارتكابی و یا خصوصیات مجنی علیه از طرف مقنن پیش بینی



شده و از سوی قوای قضائیه و مجریه به منصفه ظهور رسیده است و ممکن است حسب مورد منجر به تشدید، تخفیف یا تعلیق و.. مجازات شود.»

بخش دوم: جایگاه اصل فردی کردن مجازات ها

بند اول: اصل قانونی بودن مجازات ها

دستیابی به عدالت در راستای اجرایی شدن اصل فردی کردن مجازات ها بدون هماهنگی قوه مقننه در تصویب قوانین متناسب با اصل فردی کردن مجازات ها غیرممکن می باشد؛ گرچه بعضی از حقوقدانان اعطای اختیارات کامل به قضات محاکم را شرط اعمال اصل فردی کردن مجازات ها می دانند. در حقوق کیفری، از اصل قضایی بودن مجازات ها دو معنا اراده می گردد؛ در معنای نخست، اصل قضایی بودن مجازات ها به معنای مداخله مقام صلاحیت دار همراه با اختیارات مناسب برای تعیین میزان مجازات ها در راستای اصل فردی کردن می باشد. اصل قضایی بودن بدین معنا حتی گاه اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ها را تحت الشعاع قرار می دهد. اعطای اختیارات گسترده به قاضی برای فردی کردن کیفر ممکن است اصل قانونی بودن مجازات ها را کم رنگ نماید. رعایت تعادل در به کارگیری اصل قضایی بودن مجازات ها آن را همچون مکمل اصل قانونی بودن مجازات ها قرار می دهد. (مارتی، ۱۳۸۱، ۱۱۲) اختیار قاضی در تعیین چند و چون مجازات ها در نوع مکاتب کیفری و نظام های حقوقی پذیرفته شده است. در اسلام نظرات قاضی بر حسب اوضاع و شرایطی که جرم واقع شده و احوال مجرمین، مختلف می شود و کیاست و فراست و صداقت قاضی در این مورد، نقش مؤثری را ایفا می نماید؛ لذا برخی از نویسندگان حقوق از این هم پا را فراتر گذارده اند و پیشنهاد نموده اند که به جای مجازات های کنونی باید نظام مجازات های غیرمعین اعمال گردد. به این معنی که وقتی دادگاه مجرمیت متهم را احراز نمود به صدور حکم محکومیت اکتفا نماید. زیرا، تعیین قطعی مجازات در زندان با توجه به میزان پیشرفت زندانی در طریق زندگی اجتماعی و اصلاح حال او باید صورت گیرد. (صانعی، همان، ۱۴۵) علیرغم نظر برخی از حقوقدانان که معتقدند اصل فردی کردن مجازات ها رد کلی اصل قانونی بودن مجازات ها



می باشد به ارتباط نزدیک این دو اصل در مقررات کیفری اشاره شده است. علاوه بر این در حقوق کیفری ایران قاضی می تواند از نتایج اصل قانونی بودن مجازات ها، خصوصاً تفسیر مضیق قوانین کیفری بهره جسته و نسبت به متهمینی که استحقاق کمک دارند؛ مساعدت نموده و زمینه معافیت آنها را از مجازات یا حداقل تخفیف مجازات، فراهم کند.

بند دوم: اصل تساوی مجازات ها

اصل تساوی در برابر قانون، این مفهوم عدالت را می رساند که با برابرها باید رفتار برابر داشت و با نابرابرها رفتار نابرابر. براین اساس کسانی که مرتکب جرم مشابهی می شوند، مستحق رفتار (مجازات) برابر هستند و اگر قرار باشد به هر دلیل مجازات متفاوتی بر آنها اعمال شود، به عدالت رفتار نشده است. در این دیدگاه برای این سوال که تفاوت های فردی چه می شود و آیا اگر قرار باشد که با افراد متفاوت، رفتار مشابه صورت نمود به جزء دوم مفهوم عدالت لطمه وارد می شود یا خیر، این گونه پاسخ داده شده است که عدالت به معنای حفظ نابرابری های طبیعی می باشد، یعنی هر کس سر جای خود باشد، چون فرض بر این است که در جهان هستی و طبیعت، پیشاپیش، نظم و عدالتی تعبیه شده است این همان تصویر عدالت محافظه کارانه است که نابرابری های موجود را می پذیرد و آن را مطابق طبیعت می داند. (بشیریه، ۱۳۸۳، ۴۲) رابرت نوزیک^۱، از شخصیت های شناخته شده در برداشت محافظه کارانه از عدالت، معتقد می باشد که نباید تفاوت ها یا استعداد های طبیعی که محصول میراث ژنتیکی و محیط هستند به خاطر ناعادلانه بودنشان خنثی شوند، چون اگر این مزیت ها یا استعداد های طبیعی را از انسان بگیریم، مفهومی از شخص حتی برای ادامه بحث، باقی نمی ماند. بنابراین باید همچنان اصل اکتساب را معتبر دانست و دولت نیز باید به آن احترام گذارد. نوزیک معتقد به دولت اقلی یعنی جلوگیری از دخالت دولت در توزیع منابع می باشد؛ چیزی که از نظر او متضمن نقض حقوق افراد می باشد. تنها استثنایی که نوزیک برای با توزیع منابع مطرح می نماید، مربوط به زمانی است که حقی در گذشته ناعادلانه گرفته شده است؛ اگر چه صاحب

^۱ Nozick - Robert



فعلی حق آن را به طور عادلانه به دست آورده باشد. بنابراین در سایر موارد که تفاوت ها ناشی از طبیعت می باشد، مانند تفاوت در استعدادها، خانواده، سطح درآمد، آموزش و پرورش و غیره باید دست نخورده باقی بماند و نمی توان عادلانه بودن این را که برخی افراد، باهوش تر می شوند، زیر سوال برد، چرا که این تفاوت ها غیرقابل اجتناب می باشند. از آنجا که هر یک از طرفین تراحم اعتبار ارزشی متفاوتی را برای ملاک های مزبور قائل می باشند، این امر موجب اختلاف اخلاقی و مطرح شدن مسئله عدالت می شود و چون اصل اخلاقی که بتواند تعیین کننده تقدم اخلاقی یکی از دو رفتار باشد مورد توافق افراد طرف تراحم نمی باشد، در نتیجه معیار توزیع برابر مستلزم هیچ اصل اخلاقی خاصی نیست و هیچ قضاوت ارزشی معینی را بازگو نمی نماید. بنابراین اگر نتوان افراد را از یک جهت خاص متفاوت به شمار آورد، باید همگی از یک جهت مشابه باشند و همین مشابهت موجب رفتار مشابه با آنها می شود. اگر هیچ معیار درجه بندی کننده ای منطقاً پذیرفته نمی باشد و دلیلی بر متفاوت گرفتن افراد به جای مشابه گرفتن آنها وجود ندارد و بیهوده است آنچه را می توانیم با عناصر کمتر به کاربریم با عناصر بیشتر انجام دهیم، به ویژه آنکه بیشتر شامل اصل اخلاقی ای باشد که در امر توزیع عدالت بی اعتبار است. (هیلل، ۱۳۸۲، ۳۱ به بعد) به نظر می رسد اصل فردی کردن مجازات ها در واقع یک استثنا یا رد کلی اصل تساوی مجازات ها باشد. زیرا تبعیض در مجازات مجرمین به لحاظ تفاوت های فردی و لزوم برخورد متناسب با آنها که اصل فردی کردن مجازات ها را بر این اساس استوار نموده است اساساً با اصل تساوی مجازات ها مغایرت دارد. اینکه قاضی می تواند با توجه به خصوصیات و شرایط مختلف مجرمین، تصمیمات قضایی متفاوتی اتخاذ نماید و مجرمینی که مرتکب جرم واحد شده اند را یکی به حد اقل و دیگری را به حداکثر مجازات محکوم نماید. یکی تمام مدت مجازات خود را در زندان سپری کند و دیگری که مرتکب همان جرم شده است را به طور مشروط آزاد نماید، از آثار فردی کردن کیفرهاست و ظاهراً با اصل تساوی مجازات ها که اعمال کیفر را برای همه مجرمینی که مرتکب یک نوع جرم شده اند به طور مساوی خواستار است سازگار نمی باشد.



بند سوم: اصل شخصی بودن مجازات ها

منظور از اصل شخصی بودن مجازات ها این است که عدل و انصاف اقتضاء می نماید که مجازات منحصراً دامن گیر شخص مجرم شده و به نزدیکان و اقربای او سرایت نکند. در جوامع اولیه و حتی در جوامع سده های اخیر، مسئولیت فردی و اصل شخصی بودن اصلاً مطرح نبود و اگر کسی مرتکب جرمی می شد تمام اقوام و اعضاء خانواده در مقابل جرمی که یک نفر انجام داده بود مسئولیت داشتند و در مناطقی که مردم به صورت قبیله و طایفه ای زندگی می کردند، اگر فردی از یک قبیله، فردی از قبیله دیگر را می کشت، قبیله مقتول این حق را برای خود قائل می شد که بتواند بر علیه قبیله قاتل وارد جنگ شده و تمامی آنها را از دم بکشند.

خداوند متعال در رابطه با شخصی بودن مجازات و کیفر می فرماید:

« لا یكلف الله نفساً الاّ وسعها لها ما کسبت وعلیها ما اکتسبت»؛ خداوند هیچ کس را تکلیف نکند، مگر به قدر توانایی او و روز جزا نیکی های هر شخص به سود او و بدی هایش نیز به زیان خود اوست.^۱

در این آیات، خداوند تبارک و تعالی، مسئولیت عمل را متوجه فاعل آن نموده و برای عمل او در آیات دیگر کیفر و مجازات مقرر فرموده است.

این اصل نه تنها مورد پذیرش مراجع قانون گذاری اسلامی قرار گرفته است بلکه مورد توجه غالب حقوق دانان و مکاتب مختلف حقوق جزا نیز می باشد.

در اینجا ذکر چند نکته در این باب ضروری می باشد:

۱_ اصل شخصی بودن مجازات را نباید با اصل شخصی بودن مسئولیت جزائی اشتباه گرفت. هر چند غالباً نتیجه اصل اخیر به اولی برمی گردد، زیرا ممکن است در مواردی، کسی شخصاً مسئولیت جزائی داشته باشد اما مجازات او را دیگری تحمل کند. مسئولیت جزائی

^۱ سوره بقره آیه ۲۸۵





ناشی از عمل دیگری در قوانین عرفی و مسؤولیت عاقله طبق قوانین شرعی ما از زمره مواردی هستند که تفکیک دو اصل در آنها به روشنی دیده می‌شود. (همان، ۴۲۰)

۲- اگر چه اصل شخصی بودن مجازات‌ها، صرف اعمال کیفر در مورد بزه‌کاران را مورد توجه قرار می‌دهد، اما نباید نادیده گرفت که به هر تقدیر مجازات مجرم نمی‌تواند نسبت به خانواده او بی‌اثر باشد. کسی که به زندان کوتاه یا دراز مدت و یا اعدام محکوم می‌شود بی‌شک خانواده‌اش از فقدان او دچار تشویش، نگرانی و ناامنی می‌گردند و در این موارد، مجازات به شکلی غیرمستقیم آنها را نیز متأثر می‌سازد در نتیجه اصل شخصی بودن محدود می‌گردد. (نور بهار، ۱۳۸۸، ۴۲۱)

۳- اصل شخصی بودن مجازات‌ها را نباید با اصل فردی کردن مجازات‌ها (هر کس برای تقصیری که مرتکب شده است مؤاخذه می‌گردد) یکی به شمار آورد؛ زیرا در فرض اخیر توجه به شخصیت مجرم، جنسیت، سن و شرایط ارتکاب جرم و... مورد نظر برای تعیین مجازات می‌باشد که نسبت به هر یک از مجرمین تفاوت دارد. (همان، ۴۲۰) و به علاوه این که قلمرو حکومت اصل فردی بودن در مرحله دادرسی می‌باشد، حال آنکه قلمرو حکومت اصل شخصی بودن در مرحله اجرای حکم است. (اردبیلی، ۱۳۸۵، ۶۶) گرچه اصل بر شخصی بودن مجازات می‌باشد ولی آثار آن ممکن است به اعضای خانواده مجرم نیز سرایت نماید.

بخش سوم: ظهور اصل فردی کردن مجازات‌ها

بند اول: اصل فردی کردن مجازات‌ها در مرحله پیش از قضاوت

۱. تشکیل پرونده‌ی شخصیت

فرآیند دستیابی به عدالت کیفری در راستای اصل فردی کردن مجازات‌ها در مرحله پیش از قضاوت مستلزم لوازمی می‌باشد که از جمله آنها تشکیل پرونده شخصیت است. چون این پرونده محتوی اطلاعات مربوط به موقعیت جسمی، روانی و اجتماعی متهم می‌باشد، این امکان را به قاضی در مرحله‌ی رسیدگی می‌دهد تا تصمیمات فردی ساز خود را اتخاذ کند. در حقوق کیفری ایران هنوز ضرورت تشکیل پرونده‌ی شخصیت آن‌گونه که باید دیده نمی‌شود.

شود. اگر چه در مورد اطفال هم در مقررات قبل از انقلاب و هم پس از آن، تشکیل پرونده ی شخصیت پیش بینی گردیده است، ضروری می باشد لاقلاً در مورد جرایم مهم بزرگسالان نیز انجام آزمایش های مختلف برای تشخیص شخصیت متهم الزامی تلقی شود. (آشوری، ۱۳۷۹، ۱۲۹) با بررسی در قانون مجازات اسلامی در بعضی از مواد ردپای شخصیت مجرمانه دیده می شود. لازم است در هر محاکمه کیفری علاوه بر پرونده ی کیفری که نشان دهنده ی عمل مجرمانه و دلایل جرم و مواد استنادی می باشد، پرونده ی دیگری نیز به عنوان پرونده ی شخصیت تنظیم شود تا قاضی رسیدگی کننده با مراجعه به هر دو پرونده تصمیم مقتضی را اتخاذ و رای متناسبی با موضوع صادر کند. برای تشکیل پرونده شناسایی شخصیت بزه کاران، متخصصان جرم شناسی و کیفر شناسی، مددکار اجتماعی، روانشناس، روان پزشک و مراجعین همکاری می نمایند و نتیجه را کتباً ضمیمه ی پرونده ی شناسایی شخصیت می کنند. از طریق دادرسی چه از نظر ماهیت و چه از نظر مدت، مناسب ترین واکنش اجتماعی را که در قانون جزایی پیش بینی شده است، نسبت به وی اعمال می نماید. (هدایتی، ۱۳۸۵، ۴۶)

۱.۲. اخذ تأمین مناسب

صدور قرارهای تأمین نیز نوعی اقدامات مقدماتی برای اخذ تصمیم مقتضی قضایی در مراحل بعدی می باشد. در حقوق کیفری ایران ماده ی ۱۳۴ قانون آیین دادرسی کیفری پیش بینی می نماید که قرارهای تأمین علاوه بر تناسب با شرایط جرم و مجازات، دلایل اتهام، احتمال فرار متهم و از بین رفتن آثار جرم، باید با سابقه ی متهم و وضعیت مزاج، سن و جنسیت او نیز تناسب داشته باشد و این در حالی است که مقنن نه تنها تمهیدات لازم را در خصوص تنوع قرارهای تأمین پیش بینی نکرده، بلکه در برخی موارد، صدور قرار تأمین خاص را الزامی تلقی کرده است. (آشوری، همان، ۲۳۲) لذا صدور قرار تأمین متناسب با شخصیت متهم که ماده ۱۳۴ ق.آ.د.ک به آن اشاره نموده است از تمهیدات سیاست جنایی تقنینی ایران در راستای فردی کردن مجازات ها می باشد که شایان توجه است که دادسراهای سراسر کشور به این امر مهم امعان نظر کنند.



۳. تعلیق تعقیب و بایگانی کردن پرونده

اصولاً قانونگذار شرایطی را برای تعلیق تعقیب پیش بینی می نماید که توجه به آنها موجب فردی کردن تعقیب می شود. همچنین این امکان وجود دارد که به منظور فردی کردن تعقیب، آن را با برخی اقدامات جبرانی یا تنبیهی جایگزین کرد. (آشوری، همان، ۲۳۴) لازم است مقنن صراحتاً در این زمینه اظهار نظر نماید و زمینه ی استفاده از این نهاد را فراهم کند. بایگانی کردن پرونده نیز در مقررات مختلف کیفری ایران، اقدام دیگری جهت فردی کردن تعقیب محسوب می گردد. در تمامی این قوانین به دادستان اختیار داده شده در صورتی که متهم برای بار اول مرتکب جرم شده باشد، با جایگزین اقداماتی مثل وعظ، توبیخ، تهدید یا اخذ تعهد، اقدام به بایگانی کردن پرونده کند.

بند دوم: اصل فردی کردن مجازات در مرحله ی قضاوت

حسب سیاست فردی کردن مجازات ها، گاهی دادرسی در جهت صدور حکم با عللی مواجه می گردد که تخفیف مجازات بزه کار را می طلبد. (نوربها، ۱۳۸۶، ۴۲۳) همچنین در مواردی قاضی با تعویق صدور حکم در مدت معین و با لحاظ شرایطی بزه کار را از ارفاق قانونی بیشتری برخوردار می سازد و حتی او را از تحمل مجازات مقرر در پایان مدت معین، معاف می کند. در برخی موارد نیز ممکن است قاضی به دلایلی به رغم صدور حکم، مصلحت را در معلق ساختن اجرای مجازات تشخیص دهد.

۱. مجازات های تکمیلی

مطابق قانون، مجازات تکمیلی کیفری می باشد که به مجازات اصلی افزوده می گردد و برای تکمیل مجازات اصلی اعمال می گردد. دادگاه می تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری تا درجه ۶ محکوم نموده و با رعایت شرایط مقرر در قانون مجازات، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی (شخص مجرم) به یک یا چند مجازات از مجازات های مذکور در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی محکوم نماید. این مجازات علاوه بر مجازات اصلی مجرم و در تکمیل آن خواهد بود.



۲. مجازات‌های جایگزین حبس

مجازات‌های جایگزین حبس در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در یک بخش مجزا (مواد ۶۳ تا ۸۶) تدوین گردیده شده است. به این ترتیب کیفرهای مزبور نظام‌مند شده‌اند و نوآوری دیگری به جامعه عرضه گردیده است.

ابزارهای ضروری در اعمال فردی کردن مجازات‌ها می‌باشد که زمینه را برای تفرید قضایی فراهم نموده است.

۳. تعویق صدور حکم

تعویق یا به تاخیر انداختن صدور حکم از سوی دادگاه، نهاد نوینی می‌باشد که به منظور کمک به اصلاح مرتکب پیش بینی شده است.^۱

۴. کیفیات تخفیف دهنده مجازات و معافیت از آن

زمانی که از کیفیات تخفیف دهنده مجازات‌ها سخن به میان می‌آید دو دسته از آنها را باید از هم تفکیک نماییم:

دسته ی اول که به کیفیات مخففه قانونی موسوم اند عبارتند از:

عللی که به حکم قانون و به دلایلی که مقنن تشخیص می‌دهد، میزان مجازات بزه کار را تقلیل می‌دهد. در همین رابطه گاهی قانونگذار به همان دلایل، امکان اجرای مجازات را غیر ممکن می‌گرداند که معافیت‌های قانونی از مجازات نام می‌گیرند. ویژگی این دسته از کیفیات یا معافیت‌ها آن است که قاضی به محض مواجهه با آن‌ها و به مجرد حصول یقین، مکلف می‌باشد در اعمال آنها اقدام نماید. صدور حکم با توجه به این کیفیات، الزامی می‌باشد. در مقابل، دسته دیگری از کیفیات مخففه وجود دارد که برخلاف دسته ی نخست، در اختیار دادرسان دادگاه‌ها قرار دارد و کیفیت مخففه قضایی نامیده می‌شود. این کیفیات زمانی



^۱ مواد ۴۰ تا ۴۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

اعمال می گردد که دادگاه ها به دلایلی صدور حکم مجازات مقرر در قانون را برای مجرم، سنگین و رعایت تخفیف در مجازات را ضروری تشخیص می دهند.

اعمال این دسته از کیفیات مخففه، مصداق بارز سیاست فردی کردن مجازات ها می باشد. ذکر این نکته ضروری است که اگر چه اعمال این کیفیات به میل و نظر قاضی واگذار شده است، ولی به این معنی نیست که قاضی در اعمال آن ها از اختیارات نامحدودی برخوردار می باشد. چرا که در اینجا نیز قانون، حدود اعمال این کیفیات را مشخص می گرداند.

در حقوق کیفری ایران، قاضی برای تعیین مجازات، به جرم و مجرم توجه دارد و نقش بزه دیده را در تکوین جرم و بر انگیختن مجرم برای فردی کردن مجازات و تعیین مجازات در نظر می گیرد. البته تحقیقاتی که در زمینه ی بیماری های روانی به عمل آمده است، نشان می دهد که در بسیاری از موارد، شخصیت و ساختار روانی بزه دیده به گونه ای است که خود، محرک اصلی جرم بوده و به صدماتی که مجرم به او وارد ساخته، به شدت نیاز داشته است. (صانعی، همان، ۲۴۶)

در قانون جدید مجازات اسلامی مسئله تخفیف مجازات ها نظام مند گردیده اند و دیگر دادگاه ها نمی توانند مجازات های تعزیری را به هر صورتی که می خواهند تخفیف بدهند.

۵. توبه

از جمله ابزارهای حقوق جزای اسلام در تفرید کیفری، توبه یا پشیمانی از انجام گناه و تصمیم به ترک آن در آینده می باشد که قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز در فصل پنجم در ماده ۱۱۴ بیان می دارد:

در جرائم موجب حد به استثنای محاربه و قذف هر گاه متهم قبل از اثبات جرم، توبه نماید و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز گردد، حد از او ساقط می شود. اگر جرائم فوق غیر از قذف با اقرار ثابت گردیده باشد، در صورت توبه مرتکب حتی پس از اثبات جرم، دادگاه می تواند عفو مجرم را توسط قوه قضائیه از مقام رهبری در خواست کند. توبه را به پشیمانی از گناه تعبیر نموده اند و انگیزه در آن واجد اهمیت می باشد. البته هر نوع پشیمانی را نمی تواند توبه به

شمار آورد؛ بلکه نوعی انگیزه‌ی الهی در آن نهفته و برای مجرمی می باشد که اعتقاد به گناه و صواب دارد. اصولاً پشیمانی افراد معتقد به دین و مذهب ثبات بیشتری از پشیمانی سایر افراد معمولی و احیاناً غیر معتقد خواهد داشت. امتیاز توبه به سایر نهادهای فردی کردن مجازات، تاکید و تکیه‌ی آن بر همین نیروی درونی می باشد. در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ در ضمن هر جرم بحث توبه از آن نیز مطرح گردیده بود؛ اما در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ موضوع توبه سامان‌دهی شده و در رابطه با آن، مبحثی مجزا و ویژه (مواد ۱۱۴ تا ۱۱۹) در نظر گرفته شده است.

بند سوم: اصل فردی کردن مجازات در مرحله‌ی پس از قضاوت

فردی کردن مجازات پس از مرحله‌ی قضاوت مبتنی بر این منطق است که مدت درست کیفر نه فقط بر مبنای جرم و شرایط آن بلکه بر مبنای خود کیفر آن گونه که به طور عینی جریان پیدا می نماید، تغییر می کند؛ پس اگر قرار باشد کیفر فردی گردد، باید بر مبنای فرد تنبیه شده صورت گیرد. (فوکو، ۱۳۸۵، ۳۴) آزادی مشروط و عفوهای خاص مهم ترین تاسیساتی می باشد که پس از صدور حکم برای فردی سازی کیفر پیش بینی گردیده اند و بر حسب نوع کیفر می توان تمهیداتی را برای فردی کردن آن برقرار کرد.

۱. نهاد آزادی مشروط

اندیشه‌های کیفری که از مفهوم مجرد بزه و مسئولیت جزایی به ضرورت توجه به انسان سبب شده که بزه کار به عنوان انسانی نیازمند به کمک و راهنمایی و شایسته‌ی تربیت و اصلاح مورد توجه قرار داشته باشد. در صورت محکومیت هر بزه کار، در کنار هدف تادیب و تنبیه، اصلاح و باز اجتماعی شدن او نیز از اهداف مورد توجه می باشد. این بینش از اجرای مجازات وقتی با مفهوم اصلاح و تربیت همراه می گردد، به این نتیجه منطقی می رسیم که با تحقق اصلاح و باز اجتماعی شدن بزه کار، دیگر نیاز به گذراندن دوران کامل محکومیت نمی باشد. با اعطای آزادی مشروط به محبوسان، امکان اصلاح و بازگشت هر چه سریع تر آنان به جامعه فراهم می گردد و ضمن کاستن از هزینه‌های گزاف و بیهوده بر جامعه، می توان از آن ها به عنوان نیروهای کار آمدی برای اجتماع استفاده نمود. هر چند در کنار امتیازهای این نهاد حقوقی، ایرادهایی بر آن وارد شده است. (آشوری، ۱۳۸۲، ۴۷۳) ولی باید توجه نمود که



آگاهی هر چه بیشتر از فلسفه ی نهاد آزادی مشروط و توجه هر چه دقیق تر به مبانی سیاست فردی کردن مجازات ها از این ایرادها کم می کند. قانون گذاری ایران ضمن پذیرش نهاد آزادی مشروط در مقررات موضوعه ی کیفری، قلمرو اعمال سیاست فردی کردن مجازات ها را به مرحله اجرای محکومیت های کیفری تعمیم داده است.

۲. عفوهای خاص

برخی از انواع عفو با هدف فردی سازی مجازات پیش بینی گردیده اند. یعنی عفوهایی که با در نظر گرفتن خصوصیات شخص محکوم اعطاء می گردند و نه مجرم جرم ارتكابی. ماده ۲۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و ماده ۹۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به عفو خاص توسط مقام رهبری اشاره می نماید. این نوع عفو در صورتی می تواند در جهت فردی سازی مجازات قرار بگیرد که در پیشنهاد ریاست قوه ی قضاییه، خصوصیات و شخصیت محکوم مورد توجه باشد ولی دلایل دیگری مانند افزایش آمار زندانیان و هزینه ی سنگین بر دوش حکومت، بیانگر این امر است که نه تنها مجرم اصلاح نشده را به جامعه باز می گرداند، بلکه اثر ارعایی مجازات را نیز به شدت تنزل می دهد.

بند چهارم: فردی کردن در مرحله اجرای مجازات

۱. تعلیق اجرای مجازات

تعلیق اجرای مجازات عبارت است از معلق ساختن اجرای مجازات کسی که به کیفر مقرر در قانون محکوم شده است تا چنانچه در مدت معینی پس از صدور قرار تعلیق، مرتکب جرم دیگری نگردد و از دستورهای دادگاه در این مدت پیروی نمود، محکومیت او کان لم یکن تلقی گردد. (اردبیلی و عظیم زاده، ۱۳۹۰، ۲۴۰)

۲. نظام نیمه آزادی

برای اجرای مجازات حبس، مقنن ایران از دیر باز مقررات فردی سازی را پیش بینی نموده است. در حال حاضر نیز موادی از آیین نامه ی سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی کشور مصوب ۱۳۸۰ با این موضوع مرتبط می باشد. ماده ی ۴۳ در مورد ایجاد واحد پذیرش و تشخیص، ماده ی ۵۹ در مورد شناخت شخصیت زندانیان و طبقه بندی آن ها، و ماده ی ۶۰ در



مورد ضرورت تشکیل پرونده ی شخصیت و استفاده از اطلاعات این پرونده در شورای طبقه بندی جهت تصمیم گیری برای شرایط و نحوه ی اجرای مجازات حبس طبق ماده ی ۶۲ می باشد.

۳. حبس خانگی در مورد اطفال و نوجوانان

دادگاه با توجه به وضع متهم و جرم ارتكابی، به جای صدور حکم به مجازات حبس یا جزای نقدی، به اقامت او در منزل در ساعاتی که دادگاه معین می نماید و یا به نگهداری او در کانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته حکم می دهد. در مقررات کیفری ایران جزای نقدی روزانه در ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ پیش بینی شده اما تقسیط جزای نقدی که قبلاً وجود داشته هم اکنون مورد ابهام می باشد.

بخش چهارم: مباشرت اصل فردی کردن

اصل فردی کردن مجازات ها از جمله داده های جرم شناسان است که حقوق کیفری جدید را دچار تحولات وسیعی کرده است. بنابراین اصل قاضی دادگاه کیفری نه تنها باید حقوقدانی مبرز باشد بلکه این شخص باید یک جامعه شناس جنایی، یک روانکاو جنایی، یک روانشناس جنایی، یک اقتصاددان جنایی و ... باشد تا طی پرونده مفتوح شخصیت در کنار پرونده کیفری ابعاد شخصیتی بزه کار نیز مورد کنکاش و بررسی قرار دهد و میزان حالت خطرناکی و ظرفیت مجرمانه مجرم مورد تخمین و تشخیص قرار گیرد. در حقوق کیفری فعلی ما با امعان نظر به نهادهای مختلف تفرید قضایی همچون تعلیق تعقیب و قرار بایگانی پرونده در مرحله دادرسی، تخفیف مجازات، تعلیق مجازات و توبه در مرحله دادگاه و عفو و آزادی مشروط در مرحله اجرا اصل بر عدم حتمیت و قطعیت مجازات ها است که امری در مکتب نئوکلاسیک از آن به عنوان عاملی برای پیشگیری کیفری یاد می نماید. اصل فردی کردن مجازات ها که از چالش های سر راه اصل تساوی مجازات ها می باشد، این فرصت را برای قاضی دادگاه کیفری ایجاد می نماید تا با کنکاش شخصیت بزه کار در ابعاد بیولوژیک، سایکولوژیک و سوشیال حکمی صادر کند که این حکم نقش نسخه ای را بازی می نماید که پزشک برای بیمار خود



تجویز می نماید. در جامعه قضایی ما حداقل دو چالش عمده مانع اعمال صحیح نهادهای تفرید قضایی می باشد:

بند اول: ترافیک کیفری

در بسیاری از کشورها ورودی پرونده های دادگستری بسیار ناچیز می باشد و امکان بررسی دقیق و موثکافانه از ابعاد کیفری و شخصیتی امکان پذیر است، اما ما با دادگستری روبرو هستیم که اگر چه ساعت هشت صبح شروع به کار می کند ولی ارباب رجوع صبح ساعت هفت برای گشودن درب ها در انتظارند.

بند دوم: عدم توان علمی و در دسترس نبودن ابزارهای سنجش

جهت فرصت قلمداد شدن نهاد تفرید قضایی، قاضی دادگاه کیفری باید علاوه بر بهره مندی از علم حقوق از سایر علوم مرتبط هم آگاهی داشته باشد و یا اینکه از مشاوره مداوم این اشخاص بهره بگیرد، اما تا کنون چنین امری در جامعه قضایی ما جامه عمل به خود نگرفته و با توجه به چالش اول امری محال به نظر می رسد.

نتیجه گیری

اصل فردی کردن مجازات که عبارتست از اعمال مجازات با بررسی سوابق مجرم، اوضاع و حالات او و... با شرایط و محدودیت هایی در مجازات های تعزیری و باز دارنده که مورد پذیرش نظام حقوقی اسلام قرار گرفته است. اصل فردی کردن مجازات ها یک استثنا یا رد کلی اصل تساوی مجازات هاست به این دلیل که تبعیض در مجازات مجرمین از نظر تفاوت های فردی و لزوم برخورد متناسب با مجرمین که اصل فردی کردن مجازات ها را بر این اساس استوار کرده، اساساً با اصل تساوی مجازات ها مغایرت خواهد داشت. درحقوق ایران توجه قانون گذار به اصل فردی کردن مجازات ها مورد توجه بوده و مکانیسم های فردی کردن از تصویب قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ تا قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ همواره سیر صعودی داشته و تدوین مکانیسم هایی از جمله قرارد های تامین، تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، رژیم نیمه آزادی، تعلیق مراقبتی و آزادی مشروط و... از نتایج توجه مجامع



علمی به اصل فردی کردن مجازات می باشد که نهایتاً در قالب قوانین اعمال گردیده است. اصل فردی کردن و اصل قانونی بودن مجازات ها در صورتی که قوه مقننه در تعیین کیفر برای جرائم، با مد نظر قرار دادن اصل فردی کردن مجازات ها به سیستم مجازات های نامعین روی آورد یا با تعیین مجازات های متنوع در جرایم تعزیری، دست قاضی محکمه را در تطبیق مجازات با شخصیت مجرمین با توجه به اهداف بازدارندگی و بازپروری مجازات باز بگذارد، با رعایت اصل قانونی بودن مجازات ها، به اهداف اصل فردی کردن مجازات ها می توانیم دست پیدا کنیم. اعمال بسیاری از مجازات های سنتی در ظاهر شامل فرد مجرم می گردد و مجرم برای تحمل آن یا به زندان می رود یا شلاق را تحمل می کند و یا جریمه مالی می پردازد. اما متأسفانه در تمام این موارد اعضای خانواده از آثار اعمال مجازات ضرر می بینند. بنابراین اجرای عدالت در امور قضایی عملی غیرممکن می باشد؛ اما فردی کردن مجازات ها می تواند آثار اعمال مجازات ها را به مقدار زیادی کاهش دهد. اعمال اصل فردی کردن مجازات ها در محاکم، باعث جلوگیری و کاهش بسیاری از ضرر و زیان هایی است که بر اثر اعمال مجازات ها بر خانواده مجرم و وابستگان وی وارد می گردد. قاضی می تواند حالات و روحیات و سابقه مجرم را در نظر بگیرد و مجازات برای او تعیین نماید. گرچه این اختیار و صلاحیت تا حدودی در قانون مجازات اسلامی محدود گردیده؛ یعنی دارای حداقل و حداکثر می باشد؛ تا از اقدام های خودسرانه قضات جلوگیری گردد.



منابع و مأخذ

۱. آشوری، محمد، ۱۳۷۹، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول.
۲. آشوری، محمد، ۱۳۸۲، جایگزین های زندان یا مجازات های بینابین، تهران، نشر گرایش، چاپ اول.
۳. آیین نامه امور زندان ها مصوب سال ۱۳۷۲.
۴. آیین نامه ی کمیسیون عفو و بخشودگی مصوب ۱۳۷۳ مقام معظم رهبری.
۵. آیین نامه اجرایی سازمان زندان ها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۰ با اصلاحات و الحاقات بعدی.
۶. اردبیلی، فائزه عظیم زاده - حسابی، ساره، ۱۳۹۰، سیاست جنایی و تطور مفهومی آن، ماهنامه تعالی حقوق، سال چهارم، شماره ۱۵، بهمن و اسفند.
۷. اردبیلی، محمد علی، ۱۳۸۱، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران، نشر میزان، چاپ دوم.
۸. اردبیلی، محمد علی، ۱۳۸۵، نسل کشی و ضرورت جرم انگاری آن در حقوق ایران، پژوهش های حقوق تطبیقی
۹. بشیریه، حسین، ۱۳۸۳، فلسفه مجازات در حقوق بشرو مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول.
۱۰. صانعی، پرویز، ۱۳۷۶، حقوق جزای عمومی، تهران، گنج دانش، چاپ هفتم، جلد ۱ و ۲.
۱۱. فوکو، میشل، ۱۳۸۵، مراقبت و تنبیه؛ تولد زندان، ترجمه ی نیکو سرخوش و افشین جهاندریده، چاپ ششم، تهران: نشر نی.
۱۲. قانون اقدامات تامینی و تربیتی مصوب ۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۹.
۱۳. قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰.
۱۴. قانون نحوه ی اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۷۷.



۱۵. قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲.

۱۶. قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۸ و اصلاحات بعد

از آن

۱۷. .. مارتی، میری دلماس، ۱۳۸۱، نظام های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه، نجفی ابرند

آبادی، علی حسین، ج اول، تهران، نشر میزان.

۱۸. محمودی، غلامرضا، ۱۳۸۷، پایان نامه فردی کردن مجازات ها و آثار آن در جلوگیری از

تکرار جرم، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی





پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی